فهرست پیشنهادی «فرهیختگان» از مستندهای سیزدهمین جشنواره حقیقت

جرات، غایب «جشنواره حقیقت»

میلاد جلیل‌زاده، عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

سینمای مستند ایران در سال‌های اخیر بارها جنجال‌ساز شده و آثار آن با سوژه بحث‌های مستوفا قرار گرفته یا توانسته سوژه‌های ناتمام را دوباره از کنج دربیاورد و مطرح کند. استقبالی که از جشنواره سینما حقیقت توسط علاقه‌مندان سینما صورت می‌گیرد، در دوره‌های اخیر زیانزد بود. واقعا هیچ مستندی در سال‌های خالی نمایش داده نشد و حتی اکران‌های ویژه در ساعات پایانی شب، مکرر از پی هم می‌آمدند. با این حال مدیران جشنواره طی سال گذشته و امسال حرف‌هایی زدند که نشان از قدردانی نسبت به این استقبال نمی‌داد و ارزش واقعی دورهمی بزرگ علاقه‌مندان جدی سینما را رج نمی‌گذاشت. آنها صحبت از پولی شدن فیلم‌های جشنواره حقیقت کردند؛ اتفاقی شبیه رزرو صندلی در اتوبوس‌های شرکت واحد تهران که قرار بود برای سال آینده در دستور کار قرار بگیرد و البته یک صبح جمعه آذرماه، شهردار تهران پس از واکنش‌های بسیار خشمگین مردم در فضای مجازی و رسانه‌های رسمی گفت که اصلا چنین قراری نبوده و من هم حالا مطلع شدم. به هر حال اگر جامعه ایران بتواند مانع از این شود که سیرها گرسنه‌ها را ببلعند، صندلی‌های خوب سال‌های جشنواره در اصل مال کسانی است که بیشتر شیفته این گونه سینمایی هستند و ساعت‌ها زودتر جلوی سالن‌ها صف می‌بندند نه آنها که راحت‌تر حاضرند پول بپردازند و بلیت‌ها را رزرو کنند و نه آن بخشی از اصحاب رسانه که احیانا قرار است با کارت‌های مجانی، مدیون مدیران باشند و در حالی که از کنار صف مشتاقان فیلم مستند عبور می‌کنند تا در ردیف‌های جلویی و میانی سالن بنشینند، لب‌ها را بر هر انتقاد واضحی ببندند. آیا مدیران فعلی سینمای ایران به گونه مستند علاقه دارند؟ جواب این سوال منفی است. این زمین بازی آنها نیست و نمی‌توان جزئیات امور فرهنگی را بدون رصد ارتباط‌هایشان با امور سیاسی-جناحی به‌درستی درک کرد. سینمای مستند ایران جایی نیست که مدیران سینمایی حال حاضر در آن دست برتر را داشته باشند و اساسا خود گونه مستند با سبکی از تفکر اجرایی که در پی ایجاد سرگرمی محض و پرت کردن حواس‌ها از دغدغه‌های اصلی است، جور در نمی‌آید. در چنین شرایطی شاید فیلم‌های کمدی و آثار روشنفکری بی‌خطر اما حاشیه‌ساز داستانی، عزیزتر داشته شوند. سال گذشته مستند «شورش علیه سازندگی» که درباره واکنش حاشیه‌نشین‌های مشهد و اسلامشهر نسبت به سیاست‌های تعدیل اقتصادی در دولت هاشمی-رفسنجانی بود، اجازه حضور در جشنواره را پیدا نکرد. در بخشی از این مستند احمد توکلی می‌گوید مرحوم نوربخش که در دولت اول سازندگی وزیر اقتصاد و در دولت دوم رئیس بانک مرکزی بود، در ابتدای تصمیم‌گیری‌ها برای تعدیل اقتصادی و راه پیمودن به سمت آنچه هاشمی «آغاز فصل جدیدی در تاریخ ایران» می‌خواند، در جلسه هیات دولت می‌گوید: «کشورهایی که سیاست‌های تعدیل را اجرا می‌کنند، دچار آشوب اجتماعی می‌شوند. باید بودجه پلیس ضد شورش را زیاد کنیم تا جلوی اینها بایستد.» وی اضافه می‌کند: «زیر چرخ‌های توسعه اقتصادی یک عده له می‌شوند.» احمد توکلی تاکید می‌کند که نوربخش یا همین صراحت اینها را می‌گفت.

اما در همان دوره از جشنواره، مستندی به نام «مدیرکل» پخش شد که روایتی سراسر ستایشگرانه از مدیریت مرحوم نوربخش بر بانک مرکزی و تحسین سیاست‌های تعدیل اقتصادی بود. این مستند را یکی از بستگان هاشمی-رفسنجانی ساخته بود و رئیس دولت اصلاحات هم در آن صحبت می‌کرد. تفاوت آشکاری بین حق مالکیت یک رویداد، مثل جشنواره‌ای سینمایی، با مدیریت آن وجود دارد. کسی که مالکیت یک رویداد را دارد، می‌تواند با دلایلی اساسا دلبخواهی، هر چیزی را که نپسندید یا به ضررش می‌داند، در آن شرکت ندهد؛ اما مدیران سینمایی فعلی از چنین جایگاهی در مورد جشنواره سینما حقیقت برخوردار نیستند. وضعیتی که مثال شاخص و بارز آن در سال گذشته مستند «شورش علیه سازندگی» بود، امسال در شکلی به‌شدت تاسف‌بارتر راجع به مستند «ایکسونامی» تکرار شد.

ایکسونامی، مستند بسیار تاثیرگذاری درباره انقلاب جنسی آمریکا و حقه‌های نظام سرمایه‌داری برای به بند کشیدن انسان‌ها از این طریق است. این مستند، پژوهشی واقعا قوی در پس‌زمینه‌اش دارد و به‌لحاظ استدلالی تقریبا ناممکن است که اصل حرف آن را بشود زیر سوال برد. اما اینکه مدیران فرهنگی وقت، حاضر شدند مخالفت‌شان با نمایش چنین فیلمی و ابلاغ چنین پیامی را علنی کنند، واقعا شگفت‌انگیز است. شاید هرگز تصور نمی‌شد که پس از انقلاب ۵۷ بخشی از مدیران نظام نوپایی که سر کار می‌آید، همان کسانی باشند که علیه روشنگری نظام سرمایه‌داری مانع ایجاد می‌کنند؛ اتفاقا ایکسونامی به‌رغم موضوع حساسی که دارد صحنه منافشه برانگیزی ندارد و فرق آن با غالب کارهای دیگری که راجع به جامعه یا دولت ایالات متحده در ایران ساخته شده‌اند لحن منطقی و استدلالی آن است. به نظر می‌رسد اگر ایکسونامی هم مستندی بود که بدون استدلال و داده‌های علمی صرفا به دولت ایالات متحده و احیانا مردم آن نامزد می‌گفت و می‌توانست کمک کند که چهره بی‌منطقی از آمریکاستیزی در ذهن مخاطبان شکل بگیرد، مانعی برای حضور آن در جشنواره حقیقت وجود نداشت.

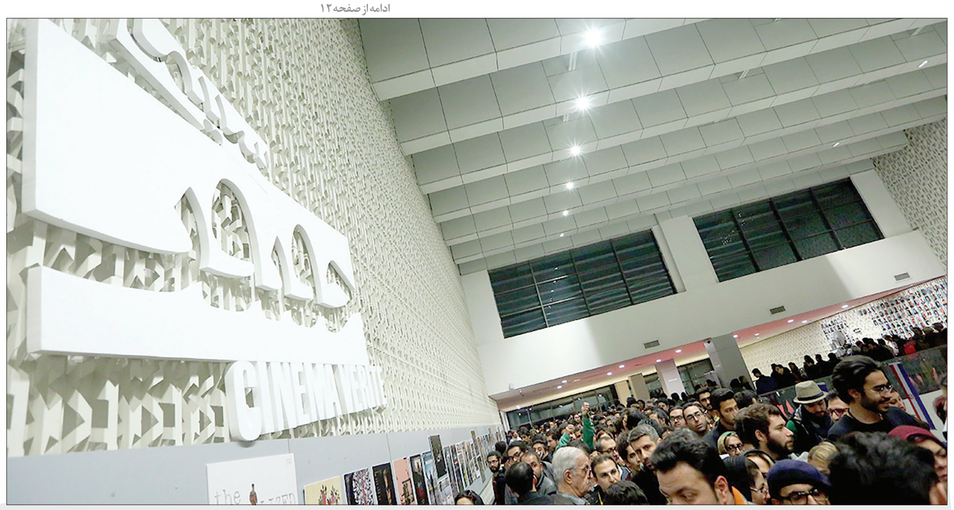

شورش علیه سازندگی در سال گذشته و ایکسونامی در سال جاری، تنها دو نمونه از کارهایی هستند که مدیران وقت سینمایی به دلایلی جناحی و بدون دلایلی که از منطق ممیزی یا از منطق فنی و زیبایی‌شناختی بهره برده باشند، آنها را از سبد جشنواره حذف کرده‌اند. به هر حال باید دانست، مخاطبان علاقه‌مند در حالی به استقبال صف‌های جشنواره حقیقت می‌روند و منتظر عبور خریداران صندلی‌های رزرو شده از کنارشان هستند که بخش مهم‌تری از سینمای مستند ایران اجازه ورود به این رویداد را پیدا نکرده است. با این حال هر چند مدیران فعلی سینمای ایران، گونه مستند، خصوصا در شکل ژورنالیستی و جدی و بحث‌برانگیز آن را زمین بازی خود نمی‌دانند و دوستش ندارند؛ اما این شاخه از فیلمسازی توانسته است در سال‌های اخیر پیشرفت محسوسی در کشور داشته باشد و نظر مخاطبان فراوانی را به خودش جلب کند.

سیزدهمین دوره از جشنواره سینما حقیقت از دوشنبه ۱۸ آذرماه تا ۲۴ آذرماه در پردیس سینمایی چارسو برگزار می‌شود. امسال ۱۶۸ فیلم در بخش‌های مختلف داخلی و بین‌المللی که شامل ۱۱۴ فیلم ایرانی و ۵۴ فیلم خارجی از ۳۹ کشور جهان است، در جشنواره نمایش داده می‌شوند. سیزدهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت در بخش مسابقه ملی شامل ۶۲ فیلم است که از این تعداد، ۲۷ فیلم به گونه مستند کوتاه، ۱۵ فیلم به گونه مستند نیمه‌بلند و ۲۰ فیلم به گونه مستند بلند اختصاص دارند. در ادامه تعدادی از فیلم‌های این دوره از فستیوال سینما حقیقت که لااقل از روی اسم و مشخصات ابتدایی، کنجکاوی برانگیزتر هستند، بررسی شده‌اند و البته شاید با دیدن فیلم‌های جشنواره کشف‌های جدیدی صورت بگیرد. این مستندها به بخش‌های مختلف جشنواره تعلق دارند.

مستند بلند: «صد سال تنهایی»

کارمند ساده یکی از بانک‌های دولتی بود که تا هنگام مرگ در سال ۱۳۸۴، ۱۲ بار مبتلا به بیماری مالاریا در منطقه محروم بشاگرد می‌شود و سر آخر نیز با درد آن مردم محروم در یکی از بیمارستان‌های تهران، به‌صورت گمنام جان می‌سپارد. حاجی اکنون اسطوره‌ای برای بسیاری از مردم محروم بشاگرد و البته بچه‌های جهادی به‌شمار می‌رود. اواخر سال ۶۰ وقتی حاج‌عبدالله از وجود منطقه بشاگرد توسط یکی از دوستان‌شان مطلع می‌شود، سفری به این منطقه می‌کند و با دیدن محرومیت خاص مردم آنجا، تصمیم می‌گیرد برای خدمت رهسپار بشاگرد بشود، اما در آن ایام جنگ تازه آغاز شده بود و به‌همین خاطر حاج‌عبدالله مردد بود که آیا صلاح است مناطق جنگی را رها کند و به بشاگرد برود یا نه، بنابراین دیداری به‌همراه حاج‌آقا نیری، رئیس وقت کمیته امداد و چند نفر دیگر با حضرت امام(ره) صورت می‌گیرد و در آن دیدار امام با توصیه برای کمک به مردم محروم بشاگرد این جمله را می‌گویند که «آیا گمان نمی‌کنید سربازانی برای امام زمان(عج) در میان بچه‌های محروم این منطقه وجود داشته باشند. این جمله باعث می‌شود اگر شک و شبهه‌ای هم در این خصوص وجود داشت، برطرف شده و حاجی رهسپار بشاگرد شود. در جشنواره سینما حقیقت امسال، یک مستند با عنوان «صد سال تنهایی، شرکت دارد» مستندی که روایت ۲۳ سال تلاش مرحوم حاج عبدالله والی در آبادسازی منطقه بشاگرد را روایت کرده است. این مستند توسط مهدی فارسی ساخته شده و پدرش محمدعلی فارسی، تهیه کننده این کار است. او درباره این مستند می‌گوید: «وقتی لایه‌لای فیلم‌های آرشیوی پیرامون عبدالله والی می‌گشتم، متوجه شدم که چند سریال و فیلم هم راجع به او تولید شده است، اما نتوانستند به شایستگی عبدالله والی و بشاگرد او معرفی کنند. از زمانی که وارد این موضوع شدیم تا زمانی که تولید به اتمام رسید، بیش از دو سال طول کشید. البته باید بگویم روند تحقیق و پژوهش این اثر بسیار سخت بود و در جزئیات و تاریخچه، حرف‌های صدنوقیقی زیادی به چشم می‌خورد؛ ما قصد داشتیم در وهله اول تاریخ‌نگاری انجام داده و در بستر آن حرف‌های مهم دیگری را مطرح کنیم، بنابراین برایمان بسیار مهم بود که این تاریخ‌نگاری با دقت فراوان و منطبق بر واقعیت باشد. نام این مستند را بر این اساس انتخاب کردیم که بشاگرد بیش از ۱۰۰ سال در محرومیت بوده است.»

مستند بلند: «صحنه‌هایی از یک جدایی»

اینکه در مورد فیلم‌های معروف، مستند ساخته شود، امری طبیعی است. در جشنواره امسال سینما حقیقت مستندی ساخته شده است در مورد فیلم «جدایی نادر از سیمین» اصغر فرهادی؛ فیلمی که قبل از این هم دو مستند دیگر از آن ساخته شده بود که معروف‌ترین آنها مستند «از ایران، یک جدایی» بود. مستند «از ایران، یک جدایی» نخستین تجربه ساخت مستند بلند به کارگردانی آزاده موسوی و کوروش عطایی است. این مستند در هفتمین جشنواره «سینما حقیقت» مورد استقبال قرار گرفت. آزاده موسوی، درباره ساخت مستندشان در مورد این فیلم می‌گوید: «چند روز قبل از مراسم اسکار با توجه به بحث‌های مختلف درباره این فیلم و انتظار جمعی برای دریافت جایزه اسکار تصمیم گرفتیم مستندی با موضوع اسکار فیلم «جدایی نادر از سیمین» بسازیم و اولین تصاویری که ثبت کردیم نیز مربوط به تماشای این مراسم در چندین خانه در همان شب بود. ساخت یک مستند درباره فیلمی مهم و تاثیرگذار از که جنبه‌های مختلفی می‌شد به آن پرداخت، کار بسیار دشواری بود و تنها چیزی که از ابتدا می‌دانستیم و مطمئن بودیم این بود که فیلمی بسازیم که بازتابی از جامعه باشد و از این حیث با فیلم «جدایی...» در یک مسیر حرکت کنیم.» اما در «صحنه‌هایی از یک جدایی» قرار است مستندی ببینیم از چگونگی شکل‌گیری ایده و فیلمنامه تا مراحل انتخاب بازیگران و فیلمبرداری فیلم همراه با روایت اصغر فرهادی و صحبت‌هایی از مایک لی، ژان کلود کریر و ابراهیم گلستان. وحید صداقت که کارگردان این مستند است، قبل از این هم مستندی درباره فیلم «فروشنده» اصغر فرهادی ساخته بود که اسم آن مستند «درباره فروشنده» بود. صداقت در مورد مستند درباره فروشنده می‌گوید: «ما از قبل با آقای اصغر فرهادی آشنایی داشتیم و مایل بودیم چنین کاری را انجام دهیم. ایشان هم می‌دانستند که ما دوست داریم در پشت صحنه فیلم جدیدشان حضور داشته باشیم و مستندی در مورد آن بسازیم. همان‌طور که می‌دانید، فیلم «فروشنده» سه ماه پیش تولید و سه ماه فیلمبرداری داشت. ما در تمام طول این ۶ ماه در کنار گروه تولید در پشت صحنه حضور داشتیم و تصویر می‌گرفتیم. همزمان به ایده‌های مختلفی فکر کرده و در روند کار، تم‌ها و ساختارهای مختلفی را بررسی می‌کردیم. با اینکه پشت صحنه‌ها را خودمان گرفته بودیم، اما سعی کردیم در ساخت این فیلم مستند چندان هم به آنها وابسته نباشیم. در واقع تصمیم گرفتیم یک تم تحلیلی وارد این مستند کنیم که همین تم باعث شد از یک فیلم پشت صحنه صرف خارج شده و تبدیل به فیلمی درباره نحوه ساخت و تحلیل «فروشنده» شود.» صداقت در مورد ساخت این مستند جدیدشان هم می‌گوید: «جالب است بگویم ما با اینکه در پشت صحنه «جدایی نادر از سیمین» حضور نداشتیم، اما با راش‌های آن یک مستند ساختیم که قرار بود قبل از «درباره فروشنده» اکران شود، اما شرایطش مهیا نشد.»

مستند کوتاه: دیوارهای نخی

پیرزنی عشایر با آداب و سنن مرسوم در میان اهالی کرمانج خراسان شمالی مردم را دعوت می‌کند تا با بازی‌های جام جهانی فوتبال را تماشا کرده و نتیجه ملی ایران را تشویق کنند و طبیعتا همین سوژه می‌تواند دستمایه یک مستند شود. عباس عمرانی بیدی که فوق‌لیسانس ادبیات نمایشی از دانشگاه‌سوره است، «دیوارهای نخی» را خود کارگردانی و تهیه کنندگی کرده و با این مستند در بخش فیلم‌های کوتاه مسابقه ملی سیزدهمین جشنواره سینما حقیقت با ۲۶ فیلم دیگر به رقابت خواهد پرداخت. عباس عمرانی بیدی قبل از این هم مستندهای دیگری ساخته است که از معروف‌ترین آنها می‌توان به مستند «پارکینگ» اشاره کرد؛ مستندی که داستان زندگی «مش قاسم» پیرمردی است که از بازماندگان حصر خرمشهر بوده و در حال حاضر در یک پارکینگ ماشین، نگهبان است. او که نقاش زبردستی است، صحنه شهادت یک یک دوستانش را که از نزدیک دیده، روی ورق نقاشی کرده و در روزنه‌های ماشین‌ها چسبانده و هر از چندگاهی با یاد آنها نمایش می‌کند و از یک روز شوم حمله عراق به خرمشهر می‌گوید. حالا او در روایت جدیدش سراغ سوژه فوتبالی رفته است و باید دید چقدر از این مستند استقبال می‌شود.

مستند نیمه‌بلند: «بانو عصمت»

مادر باشی، جنگ شود، در اهواز باشی، بمانی و مقاومت کنی. همسر برود و فرزندانت هم پشت سر هم به جبهه بروند... همه اینها داستان زندگی یک مادر است که در مستند «بانو عصمت» روایت شده است. او حالا پس از ۶۰ سال زندگی در اهواز، به زنی تبدیل شده است. بانو عصمت احمدیان، از زنان تاثیرگذار اهواز است؛ زنی که خودش و اعضای خانواده او اوجله همسر و سه فرزندش هرکدام به‌نوعی با جنگ در ارتباط هستند. زندگی پس از جنگ و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خانم احمدیان نیز بخش مهمی از زندگی اوست که در این مستند به آن پرداخته شده است. گروه فیلمساز در یک همراهی دوساله تلاش کرده تصویری واقعی و دور از شعارزدگی از زندگی یک زن موفق را به مخاطب ارائه دهد. این مستند به همت وحید صداقت دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی تولید شده است. محمد حبیبی منصور، نویسندگی و کارگردانی این اثر را برعهده دارد.

ادامه از صفحه ۱۲

مستند بلند: «خط باریک قرمز»

این مستند، قبل از حضور در جشنواره سینما حقیقت در جشنواره‌های خارجی شرکت کرده است و با توجه به سوژه جذابی که دارد، توانسته جایزه نت‌پک (استعداد برتر آسیایی) را کسب کند. «خط باریک قرمز»، درباره یک گروه نوجوان بزهکار است که از میان ۱۷۰ مجرم در کانون اصلاح و تربیت انتخاب می‌شوند و با کمک چند مربی نمایشی آموزش داده می‌شوند. آنها به‌تدریج از طریق تمرین‌های نمایشی ناگفته‌های زندگی خود را بیان می‌کنند. سپس تصمیم می‌گیرند نمایشنامه‌ای را روی صحنه ببرند و کارشان را در یک جشنواره مهم در خارج از زندان اجرا کنند تا شاید از این طریق یک روز از زندان خارج شوند. در این فیلم تلاش شده چهره زندانیان مشخص نباشد تا به هویت آنها لطمه‌ای وارد نشود، به همین دلیل در بخشی از فیلم به تناسب همخوانی با شخصیت‌های واقعی و مجرم بودن آنها و موضوع فیلم که به نمایش می‌پردازد، از گریم جوکری برای پنهان کردن چهره این افراد استفاده شد.

علاوه‌بر زندانیان، کانون اصلاح و تربیت، تواماج دانش بهزادی، فرهاد اصلانی، هنگامه قاضیانی، امیرذژاکام، باسرخاسب، آرش آسالان و افشین هاشمی نیز در این مستند حضور دارند. نگار اسکندرفر و فرزاد خوشدست تهیه کنندگان این مستند سینمایی هستند و فرزاد خوشدست هم کارگردانی کار را به عهده دارد. این مستند، چهارمین فیلم بلند مستند فرزاد خوشدست است که ساخت آن سه سال طول کشیده است.

مستند نیمه‌بلند: «سوسن در سحر می‌شکفد»

سوسن (سحر) رشیدی، دختری از عشایر کوچ‌رو ایل زوله کرمانشاه است. او عاشق ورزش کیک‌بوکسینگ است، اما پدرش مخالف حضور او در باشگاه نیست و در برابر دختر که حتما می‌خواهد در این ورزش فعالیت کند، مقاومت دارد. کار به جایی می‌رسد که پدر، دختر را یک هفته در سیاه‌چادر حبس می‌کند تا دختر منصرف شود، اما سرانجام به شرط مخفی ماندن این موضوع از دیگران اجازه رفتن به باشگاه را به دختر می‌دهد. سوسن نه‌تنها این ورزش را یاد می‌گیرد، که قهرمان کرمانشاه و بعد ایران می‌شود و حالا آرزو دارد برای دختران عشایر زیر سیاه‌چادر، باشگاه کیک‌بوکسینگ راه بیندازد. راه‌یافتن به درون ایل‌ها و عشایر و دوربین را وارد زندگی آنها کردن به‌نوعی که بتوان واقعیت‌ها را نشان داد، بسیار سخت است. در ساخت این مستند هم‌ما با دشواری‌هایی چون راضی کردن خانواده به فیلمبرداری تا همراه شدن آنها که در حال کوچ بودند، روبه‌رو بودیم.»

مستند نیمه‌بلند: «تارهای ممنوعه»

شاید برای معرفی و گفتن از این مستند، حرف‌های حسن نوری، کارگردان این مستند جذاب باشد؛ کسی که مستندی درمورد چهار جوان افغانستانی ساخته است که رویای راک‌استار شدن دارند. سه عضو گروه راک ارکیمن بودند؛ سه جوان خیالپرداز که شباهت زیادی به من داشتند. هنوز چند ماه از شکل‌گیری گروه چهارنفره ارکیمن نگذشته بود که بچه‌ها تصمیم غیرمنتظره‌ای گرفتند؛ برگزاری اولین کنسرت راک در جشنواره بامیان در خاک افغانستان. مستند تارهای ممنوعه قدم بزرگی بود و پروژه به‌دلیل سفر اعضای گروه به افغانستان هزینه‌های سنگینی می‌طلبید. در عین حال همکاری تعدادی از عوامل سینمای حرفه‌ای ایران مسیر را به‌سرعت هموار کرد و هزینه‌های پیش‌تولید آماده شد. طی چند ماه اول تیزری آماده کردیم و به جشنواره ایدفا در آستردام فرستادیم. ایدفا برتا فاند از پروژه حمایت مالی کرد و توانستیم فیلمبرداری را به صورت جدی آغاز کنیم.»

ست درامز نشست و محمد گیتاریست را به دست گرفت. این سه مهاجر کارگر، سه عضو گروه راک ارکیمن بودند؛ سه جوان خیالپرداز که شباهت زیادی به من داشتند. هنوز چند ماه از شکل‌گیری گروه چهارنفره ارکیمن نگذشته بود که بچه‌ها تصمیم غیرمنتظره‌ای گرفتند؛ برگزاری اولین کنسرت راک در جشنواره بامیان در خاک افغانستان. مستند تارهای ممنوعه قدم بزرگی بود و پروژه به‌دلیل سفر اعضای گروه به افغانستان هزینه‌های سنگینی می‌طلبید. در عین حال همکاری تعدادی از عوامل سینمای حرفه‌ای ایران مسیر را به‌سرعت هموار کرد و هزینه‌های پیش‌تولید آماده شد. طی چند ماه اول تیزری آماده کردیم و به جشنواره ایدفا در آستردام فرستادیم. ایدفا برتا فاند از پروژه حمایت مالی کرد و توانستیم فیلمبرداری را به صورت جدی آغاز کنیم.»

مستند کوتاه: «۱۳ هزار قدم»

جای خالی یک مستند درباره کولبرهای کرد ایران، سال‌هاست که احساس می‌شد. «۱۳ هزار قدم» مستندی است درباره یک کولبر تحصیلکرده، یکی از آن کولبرهایی که دیدن‌شان لابه‌لای سایر زحمتکشانی از این قبیل، بیشتر باعث تاثر می‌شود. ناصر، پسرجوانی است که در کوه‌های ارامنات مشغول کولبری است. او که در خانواده‌ای روستایی زندگی می‌کند، یکی از انگیزه‌هایش برای این کار کمک به مادر پیرش است که به سرطان مبتلاست. شرایط زندگی، او دوستانش را به‌رغم تحصیلات دانشگاهی وادار به به کار در شرایط سخت زمستان کرده است، اما همچنان شور زندگی و امید به آینده در آنها اذعان داده دارد. ۱۳ هزار قدم که برای اولین‌بار در بخش «مسابقه ملی» مستندهای کوتاه سیزدهمین جشنواره سینما حقیقت به نمایش درخواهد آمد، توسط شرکت کالیه سینما تهیه شده و پژوهشگر، کارگردان و تهیه کننده آن اشکان احمدی است. اشکان احمدی یک فیلمساز کرد ایرانی است که پیش از این با فیلم کوتاه «چمدان خیس» از جشنواره سلیمانیه عراق جایزه گرفته بود. احمدی پیش از آن هم فیلم‌های کوتاه داستانی «آدم‌ها دورند»، «زنی از تبار مه»، «تیرک چوبی»، «رهگذران دره انار»، «مناداب»، «عکس‌های نگرفته»، «تنور» و «صورت‌های متروک» را در کارنامه‌اش داشت.

مستند کوتاه: «دموکراسی در جاده ساوه»

تورج کلانتری متولد سال ۱۳۶۵ در شهر زاهدان است و از سال ۹۰ هم وارد حرفه فیلمسازی شد. این عجیب نیست که یکی از اهالی سیستان‌وبلوچستان درباره مردم رباط کریم فیلم بسازد و اصلا همین توجهات را بیشتر به فیلم جلب می‌کند. این مستند طنز تلخ است درباره انتخابات شوراهای شهر و روستای کشور که پژوهش آن مدت‌ها پیش از اردیبهشت ۹۶ آغاز و طی دوران برگزاری انتخابات ضبط شده بود. پس از آن تدوین کار یک سال طول کشید و توانست در جشنواره مستند سیما هم حضور پیدا کند. حالا تورج کلانتری با این فیلم در سیزدهمین دوره از جشنواره مستند حقیقت شرکت کرده است. کلانتری خودش درباره‌اش می‌گوید: «به‌دلیل همزمانی انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها، شاهدیم که مساله شوراها تحت تاثیر ریاست‌جمهوری قرار گرفته و به‌نوعی به حاشیه می‌رود. همین امر، باعث اتفاقات مثبت و منفی زیادی می‌شود که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به این نکات، ما سراغ جنبه‌های پنهان این تقارن و انتخابات شوراها رفتیم و در فیلم «دموکراسی در جاده ساوه» به آنها پرداختیم.»

مستند «دموکراسی در جاده ساوه» با اینکه جزء شرکت‌کنندگان در بخش کوتاه جشنواره است، ۴۰ دقیقه زمان دارد و از طولانی‌ترین فیلم‌های این بخش محسوب می‌شود.

چارسو

تحلیل تسنیم در مورد پشت‌پرده بیانیه هنرمندان

خبرگزاری تسنیم در مورد بیانیه هنرمندان که با عنوان صدای آبان در فضای مجازی منتشر شده، نوشته است: «برخی سلبریتی‌های دانه‌درشت، صحنه‌گردانی اصلی این بازی دوسر باخت را به عهده داشتند که از جمله آنها باید به کارگردانی به نام ا.ب. ف اشاره کرد. وی که سبقه و سابقه‌ای طویل در مجری‌گری و ایفای نقش پیاده‌نظام دشمنان کشور را در کارنامه کاری خود دارد، با همراهی اشخاص دیگری چون م. ح و م. آ به‌عنوان مجریان طرح صدای آبان ۹۸ ایفای نقش کردند. اسامی کامل این افراد و برخی فایل‌های صوتی که خبرنگار تسنیم با برخی از امضاکنندگان بیانیه تهیه کرده، در خبرگزاری تسنیم به امانت مانده است. بر این اساس، این افراد پس از تنظیم بیانیه مذکور، با توسل به ابزارهایی چون بودند، تطمیع و فشار، اهالی سینما را وادار به امضای این بیانیه کردند و گام دیگری در راستای تحقق اهداف پازل دشمن برداشتند. اما تیر آنها این بار نیز همچون دفعات گذشته به سنگ خورد.»

در بخش دیگری از این گزارش آمده است: «جالب است که اغلب امضاکنندگان بیانیه سیاه آبان ۹۸، همان هایی چین بودند که بدون کوچک‌ترین شناختی از امر سیاسی، وعده تحقق ثبات اقتصادی را پیش از روحانی به مردم دادند. بسیاری از آنها با استفاده از امکانات صداوسیمای جمهوری اسلامی رشد کرده و دکانی پوشالی از آوازه و شهرت گشودند. بسیاری از آنها در حالی که هنوز هم پروژه‌های خود را با پول بیت‌المال دنبال می‌کنند، اکنون در کمال قدرناشناسی و فراموشی، مسئولیت رقم خوردن وضعیت موجود را نمی‌پذیرند؛ صداوسیما را به اقسام اتهامات واهی متهم می‌کنند و طلبکارانه عملکرد این سازمان را در پوشش حوادث آبان ۹۸ زیر سوال می‌برند.»

«ایکسونامی» با سلیقه جشنواره حقیقت جور درنیامد

فردا یکی از مهم‌ترین رویدادهای سینمایی کشور با محوریت آثار «مستند» کلید خواهد خورد. جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» که جدی‌ترین آوردگاه و بیترین سالانه مرور محصول کار مستندسازان ایرانی محسوب می‌شود، اما هرساله غایبانی هم دارد که نمی‌توان نفس غیبت آنها را دلیل بر بی‌اهمیت بودن آنها دانست. ایکسونامی تازه‌ترین محصول مجموعه «سفیر فیلم» که طی یک ماه گذشته یکی از خبرساز‌ترین و پرحاشیه‌ترین مستندهای رونمایی‌شده در محافل سینمایی و رسانه‌ای بوده، یکی از غایبان جشنواره حقیقت امسال است. محسن آقایی، کارگردان این اثر در گفت‌وگو با مهر در این‌باره گفته است: «واقعیت این است که این اولین کار از مجموعه سفیر فیلم نیست که این برخورد با آن می‌شود. نمی‌دانم‌نمی‌توانم از عبارت «بایکوت» استفاده کنم یا نه. در این سال‌ها کارهای دیگری هم داشته‌ایم که هم در جشنواره فجر پذیرفته شده‌اند و هم فروصت اکسران در گروه هنر و تجربه را پیدا کرده‌اند، اما در جشنواره سینما حقیقت حتی آنها را راه هم ندادند چه برسد به اینکه بخواهند جایزه به آنها بدهند. مانند مستندهای «آقای نخست‌وزیر» و «جای خالی» که در فجر اکران شدند، اما در سینما حقیقت حتی پذیرفته هم نشدند. امسال هم امید چندانی به پذیرش ایکسونامی نداشتیم، اما برای آن فرم پر کردیم. پیگیر دلایل رد شدن فیلم هم شدیم، دوستان جشنواره نهایی نبودن نسخه ارسالی را بهانه کردند و اینکه هیات انتخاب هم کار را نپسندیده‌اند.» آقایی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «همچنین گفتند با سلیقه هیات انتخاب هم جور نبوده است، درحالی که در بافت کلی جشنواره سینما حقیقت که رصد کنید، کمتر مستندی با این ساختار و رویکرد می‌بینید.»

دلایل چکناواریان برای ساخت موسیقی در مورد شهدای دفاع مقدس

لوریس چکناواریان، از آهنگسازان مطرح و پیشکسوت کشور، در تراتریون کسرت ارکستر سمفونیک تهران در قالب «یادبود شهدای دوران دفاع مقدس» و پروژه «صلح و دوستی» در تالار وحدت اجرای خود را روی صحنه برد؛ اجرایی که با استقبالی کم‌نظیر مواجه شد. او در مورد طراحی این کنسرت در گفت‌وگو با فارس گفته است: «من سال‌ها روی این اثر کار کرده و وقت گذاشتم تا آن را بسازم و به‌نظرم این حداقل کاری بود که می‌توانستم برای مقام رفیع آنان که جان خود را فدای میهن کردند، انجام بدهم. ذکر این نکته اهمیت دارد که بگویم خیلی‌ها می‌پرسند مثلا فلان کار چه مدت زمان برد یا چند سال وقت گذاشتید یا چقدر روی بخش‌های فلان کار وقت گذاشتید و فرآیند ساختش چگونه بود؛ به‌نظر کار هنری به این جهت که به خلاقیت و درونیات هنرمند و خالق اثر مرتبط است، طرح چنین سوالاتی نمی‌تواند روشن کننده این قضیه باشد، چراکه هنرمند با درونش و بسته به نوع و سطح احساسی که در لحظات مختلف دارد، به خلق اثر می‌پردازد و اگر بخواهیم یک زمان‌بندی مشخص برای خلق اثر هنری قائل باشیم، آنگاه آن را تولید یک محصول در کارخانه مقایسه کرده‌ایم که از یک فرآیند مشخص زمانی برخوردار است، در صورتی که در هنر اینچنین نیست و همه به احساس و الهام درونی هنرمند بستگی دارد. در مجموع این اثر برگرفته از تمام برداشت و احساس من از ابتدا تا انتهای جنگ تحمیلی بود و صحنه‌هایی از رشادت و شهادت جوانان وطن و حتی تلخی‌ها و مصیبت‌های جنگ را طی ۱۶ سال به زبان موسیقی به تصویر کشیدم.»

وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «این تنها اثر من با موضوع دفاع مقدس و شهداست. همان‌طور که در این اجرای اخیر ملاحظه کردید، ما در «سوئیت سمفونی دفاع مقدس ۶» «مومان /شامل /تشویش»، «حمله»، «فریادها»، «شب شهدا»، «تشییع پیکر شهدا» و «آزادی خرمشهر» را با ارکستر سمفونیک و گروه کُر به اجرا گذاشتیم.»

ادامه در صفحه ۱۳

سازمان آگهی‌های روزنامه فرهیختگان
Advertisement's Organization
تلفن: ۱۸-۶۶۳۴۸۰-۴۶ (۰۲۱)
فاکس: ۱۷-۶۶۳۴۸۰ (۰۲۱)
تماس با ما:
ایمیل: a66348018@gmail.com

نوبت دوم
آگهی مزایده
دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت در نظر دارد میزان محصول باغ مرکبات خود را از طریق فیش مزایده عمومی اجاره دهد. متقاضیان می‌توانند با مراجعه به دفتر کمیسیون معاملات واحد اسناد مزایده را دریافت و از باغ مرکبات واقع در مزرعه تحقیقاتی خضرآباد بازدید و پیشنهادات خود را تا پایان وقت اداری ۹۸/۹/۲۶ به آدرس: جیرفت خیابان دانشجو-دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت دفتر مدیرکل اداره توسعه مدیریت منابع تحویل و رسید دریافت نمایند.
شرایط مزایده:
۱- ارائه فیش بانکی به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری ۲۲۵۵۷۶۶۹۲ بانک کشاورزی با ارائه ضمانت